

جادوگر سرزمین سامبا

نقد و بررسی
کتاب

می دانیم همه آن چیزی که به عنوان نمودار قابل ارزیابی در سابقه نقد ادبی این دیار وجود دارد، یادداشتهای پراکنده مطبوعاتی در یک دوران نسبتاً طولانی است که در این میان جایگاه نقد شعر راه مستحکم تر و پیوسته تر می یابیم. با کشف دوباره نیما و پیرنگ شدن چشم انداز شعر سپید، شاعری، مشغله پرونی می شود و شاعران جوان و جویای نام در بازار رقابت برای تعریف خود، کشف کاستی و ناراستی در سروده رقیبان را به شکل جدی تری پی می گیرند. از خیل آن همه یادداشت و نوشتار عیبجویانه و هیجان آلود، نشانه های قابل اعتنائی از ویژگیهای بایسته نقد ساختاری و درونمایه ای پدیدار می شود. شاعران کمتر تردیده شده، در عرصه نقد و نقادی بهتر و بیشتر دیده می شوند و نقد شعر نرم نرمک بار و بر و هویتی پیدامی کند و الخ. اما در زمینه نقد قصه و رمان، بی گمان از کندوکاو بسیار، نمونه های کم شماری خواهیم یافت که در عین کم شماری، پراکنده و گسسته هم هست ...

با این ملاحظه است که دفتر یکم نقد ادبیات جادوگر سرزمین سامبا را حرکتی شایسته توجه و ارزش گذاری یافته ایم. با مرور فصل نخست کتاب که مقدمه ای نسبتاً طولانی در زمینه بررسی تاریخچه ای نقد ادبی و روان شناسی جریان کتاب و کتابخوانی است، رغبت تازه ای برای پی بردن به روش مواجهه نویسنده با آثار پائولو کوئیلو پیدا می شود. نخستین فصل کتاب با عنوان «فراسوی این جا و اکنون» رازگشای دیدگاه و نگرش نویسنده به جهان پیرامون و جایگاه انسان پرسنده در این برزخ بی پاسخی است. اگر چه در این فصل اثر مستقلاً از پائولو کوئیلو مورد بررسی و نقد قرار نمی گیرد، اما در جای جای نوشتار، موقعیت انسانی کوئیلو به عنوان نویسنده ای مقبول و مورد توجه بازشناسی و تحلیل می شود. چرایی و چگونگی موفقیت این نویسنده برزیلی در جذب مخاطبان ایرانی همواره پرسش برانگیز بوده است. نویسنده جادوگر سرزمین سامبا پاسخ ساده و روشنی برای این پرسش دارد:

کتاب کوچک جادوگر سرزمین سامبا گام نخست حرکتی است که در صورت پیگیری و تداوم، نقطه آغاز امیدآفرینی برای ریشه دار شدن نهال نقد ادبی خواهد شد. به بیان ساده تر، جادوگر سرزمین سامبا مجموعه کوچکی است که هدفمندی بزرگی را دنبال می کند. برای داوری در باب درستی و نادرستی این سخن، ساده ترین و در عین حال مطمئن ترین راه پیش روی، مطالعه آسوده و برکنار از پیشداوری کوتاه ترین فصل این دفتر نقد است. بیرون از این دایره، داوری راست و منصفانه ای نخواهیم داشت؛ آن گونه که مرسوم است و برخی با ورق زدن شتابزده یک کتاب عادت به داوری از نوع نهایی و غایی دارند. در حالی که نام آشنایی و گمنامی یک نویسنده هرگز نمی تواند دستاویز مناسبی برای قضاوت درباره خوب و بد یک اثر باشد؛ روش معمول و مرسوم می که متأسفانه رفتارشناسی و فرهنگ مطالعه را در این دیار به بی راهه برده است و چه بسیار از ما که از درک و پذیرش این ساده ترین معادله در فرهنگ کتابخوانی هم سرباز می زنیم، تجربه های تکرارشونده غافلگیری را نیز خیلی زود به فراموشی می سپاریم و در گمراهی شیفتگی نامها فرصتی برای کشف چشم اندازهای نو و درک لذت کندوکاو و مکاشفه پیدا نمی کنیم. در واقع، حد خود را محدود به رونویسی از دست دیگران کرده ایم. رهرو راههای مطمئن و علامت گذاری شده هستیم. مقهور اعتبار نویسنده ایم، بی آنکه داور خوبی برای ارزش شناسی نوشته باشیم.

جادوگر سرزمین سامبا را از دو جنبه شکلی و درونمایه ای می توان مورد بررسی و ارزشیابی قرار داد. از منظر بیرونی، مجموعه ای کوچک در قالبی تازه است که نشانه گیری دور و ارزشمندی دارد. از این روی، پر بی راه نیست اگر گفته شود: این مجموعه نقد، جدا از درجه بندی ارزشهای محتوایی، حداقل به لحاظ نگرش جدی و عمیق به مقوله نقد ادبی، حرکت مقبول و درخور تأملی است. این مقبولیت با توجه به تاریخچه کوتاه و گسسته نقد رمان در این سرزمین چندان دور از انتظار و غافلگیرکننده نیست. نیک



- جادوگر سرزمین سامبا
- شهلا زرلکی
- انتشارات فرهنگ کاوش، چاپ اول، ۱۳۸۰

جادوگر سرزمین سامبا ضمن فراهم آوردن فرصت داوری و استقلال رأی برای مخاطب، زمینه‌ساز نوعی پویایی و تحرک ذهنی است که با گردآوری اطلاعات پراکنده و در عین حال مرتبط با اصل موضوع، روش نو و پر جاذبه‌ای را در عرصه نقد درون‌نمایه‌ای تجربه می‌کند. تجربه‌ای که با توجه به جامعیت و گستردگی نگرش، تصویرگر جایگاه حساس و دشوار منتقد در جریان نقد ادبی هم هست. فاصله عمیق و متمایزکننده نقد علمی با انواع و اقسام یادداشتهای پراکنده روزنامه‌ای در بخشهای مشخصی از این دفتر نقد، قابل اندازه‌گیری به نظر می‌رسد. به ویژه در فصلهای مربوط به نقد **کیمیاگر و شیطان** و **دوشیزه پریم** با نشانه‌های آشکارتری از تلاش نویسنده کتاب برای تحلیل اندیشه‌های پائولو کوئیلو و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل اجزای هستی بر یکدیگر روبه‌رو هستیم. نویسنده کتاب، همان سان که اصول اساسی نقد ادبی لازم می‌داند، شناسه و شناسنامه‌ای از جایگاه انسانی نویسنده در مرحله خلق اثر تصویر می‌کند و با دنبال کردن سرنخهای پیوند، تداخل ناگزیری میان نویسنده و اثر پدید می‌آورد. از این دریچه است که به بازشناسی همزمان نویسنده و اثر می‌رسیم و در عین حال با زاویه نگاه و درجه ادراک منتقد آشنا می‌شویم. در واقع یک منتقد در کشاکش بررسی و تحلیل یک اثر هنری، به تعریف ناخودآگاه و غیرمستقیمی از درجه قابلیت‌های ادراکی خود می‌پردازد.

از طریق این نقد خویش‌نشان است که اعتبار داوری منتقد را می‌توان درجه‌بندی کرد. نویسنده **جادوگر سرزمین سامبا** تعریف دقیق و صادقانه‌ای از اندازه‌های ادراکی خویش ارائه کرده است. اما همچنان که پیش از این اشاره شد، یک داوری درست و منطقی جز از طریق مواجهه و مطالعه اصل اثر ممکن نیست. با این توضیح و تأکید است که داوری در باب خوب و بد این دفتر نقد را به مخاطبان و علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی وامی‌گذاریم.

«... و اما پدیده کوئیلو در ایران با دو بازتاب متفاوت و متناقض روبه‌روست. نسل جوان مجذوب نثر تخیل‌کننده اوست. نثری که در آن، سادگی و صمیمیت حکایت‌ها و تمثیل‌های تاریخی به وفور یافت می‌شود. روحیه ایرانی با شاعر مسلکی، گزیده‌گویی‌های عارفانه و امثال و حکم سازگار است. خستگی و دلزدگی مخاطب جوان نسبت به مغلق‌گویی‌های عرفا و صوفیان سرزمین پدری، راه را برای ورود و گسترش عرفان خارجی هموار کرده است. نسخه ساده و زودذهنی که کوئیلو برای مخاطبان خود می‌پیچد، با زبان و فضای مدرن کنونی همخوانی دارد...» (ص ۲۱ کتاب)

ردگیری عرفان و اندیشه‌های هستی‌شناسانه ایرانی در آثار کوئیلو، پیش از این نیز در برخی اظهارنظرها دیده و شنیده شده بود، اما نویسنده کتاب حاضر در جست‌وجویی دقیق و با حوصله، حرکتی فراتر از یک داوری کلی‌گویانه دارد. پیدا کردن نقاط اشتراک مضمونی و تشابه در این دفتر نقد با چنان دقت و استدلالی صورت گرفته است که مقوله تأثیرپذیری مستقیم کوئیلو را از جهان‌بینی عرفای ایرانی انکارناپذیر جلوه می‌دهد. برخی شباهتهای فراتر از یک تأثیرپذیری الهامی، به نسخه‌برداری و برگردان اندیشه پهلو می‌زند. بررسی مقایسه‌ای اندیشه‌ها در کتاب پیش رو با ارائه شاهد مثال و مصداق همراه است و مخاطب را برای یک داوری آزاد و مستقل مسلح می‌کند. این ویژگی را از آن روی امتیازی برای کتاب مورد نظر می‌یابیم که رسم مرسوم در نقدهای هنری، مخاطب را مقهور دیدگاه و نقطه نظرهای منتقد می‌خواهد و کمتر مجالتی برای داوری مستقل او فراهم می‌آورد.